طرحی که باوجود مخالفت «همه» به اجرا درآمد

چه کسی سگ‌ها را کشت؟

| نیما صائب |

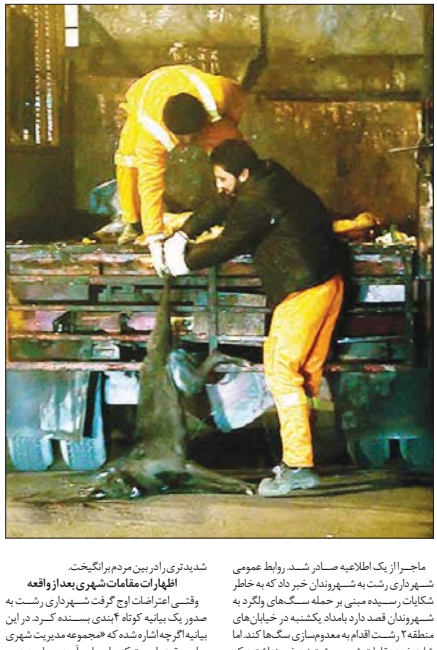

عکس‌ها: رامانوسوی

ماجرا از یک اطلاعیه صادر شد. روابط عمومی شهرداری رشت به شهروندان خبر داد که به خاطر شکایات رسیده مبنی بر حمله سگ‌های ولگرد به شهروندان قصد دارد بامداد یکشنبه در خیابان‌های منطقه ۲ رشت اقدام به معدوم‌سازی سگ‌ها کند. اما شاید خود مقامات شهری رشت نیز خبر نداشتند که این بار قضیه فرق می‌کند. این بار موجی از اعتراضات مردمی ایجاد شد، آن هم برای طرحی که سالیان‌سال است دارد در سراسر ایران انجام می‌شود. فعالان محیط زیست، بعضی از اعضای شورای شهر رشت و رسانه‌های محلی به تکاپو افتادند تا جلوی اجرای این طرح را بگیرند. اقدامی که فایده نداشت و نیمه‌های شب سگ‌های زیادی با تفنگ کشته شدند و صدای زوزه دلخراش آنها، درد را بر روح و وجدان بسیاری از شهروندان نشاند. این‌جا بود که دیگر اعتراضات و واکنش‌ها به نقطه اوج خود رسید و مقامات شهری رشت متعجب از ایجاد چنین فضایی بودند.

اظهارات مقامات شهری قبل از واقعه

علی بهارمست، معاونت خدمات شهری شهرداری که به‌دلیل بیماری چند روزی بود در ساختمان شهرداری حضور نداشت به‌طور کل از اجرای این طرح بی‌خبر بود و فکرش را هم نمی‌کرد طرحی که ۲۰ سال است در شهرهای ایران اجرا می‌شود و همچنان هم درحال اجرا است این بار در رشت این‌قدر سروصدا ایجاد کند. او که خودش هم از مخالفان این طرح است می‌گوید: این طرح یک روال معمولی است که هر ساله انجام می‌شود و آن شب هم به درخواست بعضی از شهروندان انجام شد. ما هم مخالف این طرح هستیم اما هنوز قادر به انجام راه‌حل‌های مناسب‌تر نیستیم و در تلاشیم که در آینده نزدیک راه‌هایی همچون عقیم‌سازی را جایگزین این کار کنیم.

اما اگر علی بهارمست به خاطر بیماری در حوزه مسئولیتش نبود، شهردار منطقه ۲ رشت همان شب قبل از اجرا از ماوقع خبر داشت. خانم گل احضار در ساعات باقیمانده به اجرای طرح در گفت و گو با «شهروند» گفت: «شهردار منطقه ۲ مجری این طرح نیست و این طرح مربوط به معاونت خدمات شهری رشت است و آنها به ما اطلاع می‌دهند که می‌خواهند این را انجام دهند. به هرحال وظیفه قانونی شهرداری مبارزه با سگ‌های ولگرد و حیوانات موذی است و خیلی از مردم و شهروندان از وجود این سگ‌ها ناراضی هستند و طبق قانون، شهرداری باید بسا این قضیه برخورد کند.»

وی اما در پایان اذعان کرد: «من اطلاعی ندارم که امشب قرار است این طرح انجام شود یا خیر چون اجرای این طرح برعهده حوزه خدمات شهری شهرداری است.

در این بین تنها فاطمه قدیمی، رئیس ستاد توسعه پایدار شهرداری رشت بود که صراحتا اعلام کرد باید جلوی اجرای این طرح گرفته شود. وی در گفت و گو با «شهروند» اظهار داشت: «پیش از این به متولی اصلی این طرح اعلام کرده بودیم که این شیوه برخورد با سگ‌های ولگرد درست نیست و همچنان هم می‌خواهیم که همکاران ادامه این طرح را متوقف کنند.»

بنابراین بنابه اظهارات شهردار منطقه ۲ که حادثه در منطقه تحت نظارت وی انجام می‌شد، مسئول اجرای طرح اداره خدمات شهری است و بنابه اظهارات معاونت خدمات شهری، این طرح روال طبیعی خود را طی می‌کند و بنابه اظهارات رئیس ستاد توسعه پایدار شهرداری باید جلوی این طرح گرفته می‌شد. اما آنچه که مهم بود این بود که اعتراض بسیاری از شهروندان در شب نتیجه نداد و کشتار آغاز شد و انتشار عکس‌هایش واکنش‌های شدیدتری را در بین مردم برانگیخت.

اظهارات مقامات شهری بعد از واقعه

وقتی اعتراضات اوج گرفت شهرداری رشت به صدور یک بیانیه کوتاه ۴بندی بسنده کرد. در این بیانیه اگرچه اشاره شده که «مجموعه مدیریت شهری بر این عقیده است که برای آموزه‌های دینی و اسلامی شیوه حل حاشیه هدم سگ‌ها، از مطلوبیت برخوردار نبوده و وجه و وجدان عمومی را خدشه‌دار می‌سازد» اما دلیل اجرای این طرح را ایجاد مزاحمت سگ‌های بعضا هار برای شهروندان و نبود راه‌حل بهتر به جای کشتن یا گلوله عنوان می‌کند و در پایان هم

> **هیچ‌کس در رشت تاکنون مسئولیت اجرای این طرح را قبول نکرده است و جالب این که همه در این شهر مخالف این طرح هستند. پس چگونه می‌شود طرحی که همه با آن مخالف هستند و هیچ‌کس از آن دفاع نمی‌کند به راحتی به اجرا درآید؟**

از عموم شهروندان می‌خواهد که راه‌حلی برای معضل سگ‌های ولگرد پیدا کنند. اما این بیانیه به این سوال پاسخ نمی‌دهد که آیا به خاطر وجود احتمالی چند سگ هار باید کل سگ‌های شهر را به رگبار گلوله بست؟ و باز مشخص نمی‌کند که گناه پیدا نکردن راه‌حل درست آیا باید بر گردن شهروندانی باشد که نمی‌خواهند نصف شب صدای ضجه دردآلود سگ‌ها را بشنوند؟ و باز توضیح نمی‌دهد که چرا به جای مراجعه به نهادهای تحقیقاتی در اقدامی پوپولیستی از مردم عادی می‌خواهند که برای این معضل اجتماعی راه‌حل ارایه دهند؟

اظهارات مقامات محیط زیست گیلان

بعضی از مسئولان شهرداری رشت پیش از این اعلام کرده بودند که طرح معدوم‌سازی شهرداری با هماهنگی سازمان محیط‌زیست گیلان صورت گرفته است و حتی شکاربان‌هایی از سوی این سازمان برای همکاری به شهرداری داده شده‌اند. با اعلام این خبر بود که با برجی، مدیرکل سازمان محیط‌زیست گیلان تماس گرفتم. وی مانند دفعات قبل، این بار هم از اجرای این طرح اعلام بی‌خبری کرد و هرگونه همکاری را با شهرداری در اجرای طرح معدوم‌سازی سگ‌های ولگرد تکذیب کرد. او در پایان هم قاطعانه اظهار کرد که جلوی این کشتار را می‌گیرد که البته با اقدامی برای این کار نکرد یا تلاشش را کرد و موفق نشد. چون طرح به اجرا درآمد. وقتی آقای مدیرکل اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و مقامات شهری هم بر آگاهی مسئولان محیط‌زیست اصرار می‌ورزند خبرنگاران هم دنبال تشخیص سره از ناسره می‌روند. از این رو با خودکار، رئیس سازمان محیط‌زیست رشت هم تماس گرفتم. او هم البته اطلاع سازمان از این طرح را تکذیب کرد و گفت: «برابر دستورالعمل وزارت کشور طرحی وجود دارد به نام مرگ با ترحم. نه این که تفنگ بردارند مراتب پایین‌تر از کشتن سگ‌ها با گلوله‌های تفنگ است. برای اداره آن، مکان هم مطمئنا شاهد کمک‌های مالی مردم خواهیم بود. برای تأمین غذا هم از پسماند رستوران‌هایی که حاضر به همکاری هستند استفاده می‌کنیم. برای مداوا هم دامپزشکانی هستند که علاقه‌مند به تیمار حیوانات باشند. در عین حال می‌توانیم سگ‌های ولگرد را به کسانی که علاقه‌مند به سگ‌های نگهبان یا همدم باشند بدهیم و از این راه درآمدزایی هم بکنیم و درآمدش را صرف بهینه‌سازی مکان کنیم. می‌توانیم جشنواره و همایش‌های علمی و طبیعی بگذاریم تا مردم و مخصوصا بچه‌ها را با حیوانات و عشق به طبیعت آشنا سازیم و فرهنگ احترام به طبیعت و حیات وحش را ارتقا دهیم.

آزاده محجوب، مدیرعامل سامانکده آناهیتا نیز که از حیواناتی همچون عقاب، گورکن، اسب، سگ و گربه نگهداری می‌کند، به «شهروند» می‌گوید: در این شهر کسی دلش به حال حیوانات نمی‌سوزد. حتی اگر سگ‌ها را نکشند و جمع کنند و به یک مکان برای نگهداری ببرند بازهم اراده قوی برای حفاظت از این حیوانات نیست و آنها در آن جا خواهند مرد. در این شهر کسی را نیافتم که از زندگی‌اش برای حیوانات بزند. همه اینها حرف است که می‌خواهند سامانکده بزنند. فقط پز روشنفکری است. کسی نمی‌آید وقتش را صرف سگ‌ها کند. این از خودگذشتگی جزیی از فرهنگ جوامع پیشرفته است نه ما. در شهرهای دیگر هم که سامانکده احداث کرده‌اند مثل تبریز اتفاقات ناخوشایندی برای سگ‌ها افتاد. مگر نبود سامانکده تبریز که ۴۰ قلاده سگ به خاطر دمای زیر ۲۰ درجه و بی‌توجهی مسئولان تلف شدند. بگذارید خیالتان را راحت کنم، در این جا کسی واقعا به فکر سگ‌ها نیست. سگ‌ها بالاخره می‌میرند چه در خیابان با تفنگ باشد و چه در سامانکده به‌خاطر بی‌توجهی در نگهداری.

● ● ●

شاید بهتر باشد این گزارش با اظهارات کسی پایان بگیرد که عکس‌هایش لحظات دردناکی را در اذهان مردم گیلان ثبت کرد. راما موسوی عکاسی که بعد از انتشار اطلاعیه «معدوم کردن سگ‌های ولگرد» رشت از موضوع با خبر شده و به شکار صحنه‌های دلخراش پرداخته درباره تجربه عکاسی از کشتن سگ‌ها در خیابان‌ها به روزنامه گیلان امروز می‌گوید: تاکنون نتوانسته‌ام روزه سگ‌هایی که به دلیل ناکافی بودن یک گلوله نتوانسته بودند در جا جان بدهند را از یاد ببرم.

کار کشتن سگ‌ها از ساعت یک تا حدود ۴ بامداد ادامه داشت و بعد از کشتن سگ‌ها از سوی یک تفنگچی که سوار خودرو بود با کامیون جمع‌آوری لاشه‌ها تماس گرفته می‌شد و مامووران جمع‌آوری زباله‌های شهرداری با حضور در محل مردنظر سگ‌ها را در عقب کامیون تلنبار می‌کردند. شهرداری می‌توانست شرایطی ایجاد کند که این حیوانات زبان بسته زجر کمتری بکشند و حداقل با دو گلوله کشته می‌شدند تا صدای زوزه‌های متناویشان ساعت‌های متمادی ادامه نداشته باشد. به گفته او اگر شهردار در این ارتباط اطلاعیه‌ای می‌داد قطعا افرادی بودند که به‌رغم آن‌که دوستدار حیواناتند اما به دلیل آن‌که نمی‌خواهند این موجودات زجر زیادی بکشند هزینه گلوله دوم را پرداخت می‌کردند.

و اما نکته آخر: هیچ‌کس در رشت تاکنون مسئولیت اجرای این طرح را قبول نکرده است و جالب این که همه در این شهر مخالف این طرح هستند. پس چگونه می‌شود طرحی که همه با آن مخالف هستند و هیچ‌کس از آن دفاع نمی‌کند به راحتی به اجرا درآید؟

توسط اداره بهداشت و شهرداری تأمین شود که به مراتب پایین‌تر از کشتن سگ‌ها با گلوله‌های تفنگ است. برای اداره آن، مکان هم مطمئنا شاهد کمک‌های مالی مردم خواهیم بود. برای تأمین غذا هم از پسماند رستوران‌هایی که حاضر به همکاری هستند استفاده می‌کنیم. برای مداوا هم دامپزشکانی هستند که علاقه‌مند به تیمار حیوانات باشند. در عین حال می‌توانیم سگ‌های ولگرد را به کسانی که علاقه‌مند به سگ‌های نگهبان یا همدم باشند بدهیم و از این راه درآمدزایی هم بکنیم و درآمدش را صرف بهینه‌سازی مکان کنیم. می‌توانیم جشنواره و همایش‌های علمی و طبیعی بگذاریم تا مردم و مخصوصا بچه‌ها را با حیوانات و عشق به طبیعت آشنا سازیم و فرهنگ احترام به طبیعت و حیات وحش را ارتقا دهیم.

آزاده محجوب، مدیرعامل سامانکده آناهیتا نیز که از حیواناتی همچون عقاب، گورکن، اسب، سگ و گربه نگهداری می‌کند، به «شهروند» می‌گوید: در این شهر کسی دلش به حال حیوانات نمی‌سوزد. حتی اگر سگ‌ها را نکشند و جمع کنند و به یک مکان برای نگهداری ببرند بازهم اراده قوی برای حفاظت از این حیوانات نیست و آنها در آن جا خواهند مرد. در این شهر کسی را نیافتم که از زندگی‌اش برای حیوانات بزند. همه اینها حرف است که می‌خواهند سامانکده بزنند. فقط پز روشنفکری است. کسی نمی‌آید وقتش را صرف سگ‌ها کند. این از خودگذشتگی جزیی از فرهنگ جوامع پیشرفته است نه ما. در شهرهای دیگر هم که سامانکده احداث کرده‌اند مثل تبریز اتفاقات ناخوشایندی برای سگ‌ها افتاد. مگر نبود سامانکده تبریز که ۴۰ قلاده سگ به خاطر دمای زیر ۲۰ درجه و بی‌توجهی مسئولان تلف شدند. بگذارید خیالتان را راحت کنم، در این جا کسی واقعا به فکر سگ‌ها نیست. سگ‌ها بالاخره می‌میرند چه در خیابان با تفنگ باشد و چه در سامانکده به‌خاطر بی‌توجهی در نگهداری.

● ● ●

شاید بهتر باشد این گزارش با اظهارات کسی پایان بگیرد که عکس‌هایش لحظات دردناکی را در اذهان مردم گیلان ثبت کرد. راما موسوی عکاسی که بعد از انتشار اطلاعیه «معدوم کردن سگ‌های ولگرد» رشت از موضوع با خبر شده و به شکار صحنه‌های دلخراش پرداخته درباره تجربه عکاسی از کشتن سگ‌ها در خیابان‌ها به روزنامه گیلان امروز می‌گوید: تاکنون نتوانسته‌ام روزه سگ‌هایی که به دلیل ناکافی بودن یک گلوله نتوانسته بودند در جا جان بدهند را از یاد ببرم.

کار کشتن سگ‌ها از ساعت یک تا حدود ۴ بامداد ادامه داشت و بعد از کشتن سگ‌ها از سوی یک تفنگچی که سوار خودرو بود با کامیون جمع‌آوری لاشه‌ها تماس گرفته می‌شد و مامووران جمع‌آوری زباله‌های شهرداری با حضور در محل مردنظر سگ‌ها را در عقب کامیون تلنبار می‌کردند. شهرداری می‌توانست شرایطی ایجاد کند که این حیوانات زبان بسته زجر کمتری بکشند و حداقل با دو گلوله کشته می‌شدند تا صدای زوزه‌های متناویشان ساعت‌های متمادی ادامه نداشته باشد. به گفته او اگر شهردار در این ارتباط اطلاعیه‌ای می‌داد قطعا افرادی بودند که به‌رغم آن‌که دوستدار حیواتند اما به دلیل آن‌که نمی‌خواهند این موجودات زجر زیادی بکشند هزینه گلوله دوم را پرداخت می‌کردند.

و اما نکته آخر: هیچ‌کس در رشت تاکنون مسئولیت اجرای این طرح را قبول نکرده است و جالب این که همه در این شهر مخالف این طرح هستند. پس چگونه می‌شود طرحی که همه با آن مخالف هستند و هیچ‌کس از آن دفاع نمی‌کند به راحتی به اجرا درآید؟

ذره بین

نگاهی به عملکرد مدیران محیط زیست استان‌ها از دید چند فعال محیط زیست

مدیر دلسوزم، آرزوست!

| بهروز مهدیزاده |

محیط زیست ظاهرا تبدیل شده به مرکز بروز قدرت‌های دولتمردان و نمایندگان ما. نماینده‌ای بعد از چندسال به دلیل این که در سال آخر کار خود است و برای جمع کردن رأی در دور آینده به وعده‌های انتخاباتی پیشین خود بازگشته و پا را در یک کفش کرده که فلان جاده حتما باید احداث شود و این را به منزله توسعه منطقه می‌داند غافل از این که یکی از بهترین جنگل‌های هیرکانی و پناهگاه حیات‌وحش را نابود خواهد کرد. یا تنها جزیره دریای خزر با چنین اکوسیستم حساس و شکننده‌ای به راحتی در همین دولت به ظاهر طرفدار محیط‌زیست برای مقاصد گردشگری واگذار می‌شود بدون هیچ توجهی به عواقب آن. در این بین البته کم مقصر نیستند مدیران سطح بالای ادارات محیط‌زیست و منابع طبیعی که با کم کاری‌های خود و عدم مقاومت جدی در برخی از پروژه‌ها راه را برای چنین دست درازی‌هایی به محیط‌زیست باز کردند. به همین دلیل سری به چند استان زدیم تا وضع را از زبان فعالان و نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد جویاشویم.

امیر حسین ولیان: کاش مدیر استان سمنان همانند مدیر گلستان بود

دکتر امیر حسین ولیان، دبیر شورای شبکه سمن‌های شهرستان شاهرود قضاوت در مورد عملکرد سازمان را سخت و دشوار می‌داند. دبیر شبکه سازمان‌های مردم‌نهاد شاهرود ضمن بیان این که قضاوت کمی دشوار است اذعان می‌دارد: «الان خود سازمان محیط‌زیست در فشار بسیار زیادی است و اگر بخواهیم دایم نقد کنیم در این میان مخالفان نفع خواهند برد. ولی اگر بخواهیم نقد منصفانه کنیم باید در کل بگویم عملکرد خیلی خوب نبود. البته اداره محیط‌زیست سمنان به تنهایی این همه مشکلات را نمی‌تواند حل کند و اوضاع را تغییر دهد.

امیر حسین ولیان مشکل را در عدم ایجاد تعامل با دیگر نهادهای دولتی می‌داند و می‌گوید: مدیران ما به دلیل این که از قدرت و حمایت کافی برخوردار نیستند نمی‌توانند به تنهایی جلوی همه مشکلات بایستند. از طرف دیگر نهادهای دولتی دیگر تعامل خوبی با سازمان محیط‌زیست انجام نمی‌دهند چرا که منافعشان در خطر می‌افتد. در مجموع این فعال محیط‌زیست عملکرد سازمان حفاظت محیط‌زیست را چنین توصیف می‌کند: در کل فرق چندانی در عملکرد این دولت با دولت قبلی ندیدیم. شاید سطح توقعات ما خیلی زیاد باشد. در ابتدای دولت یازدهم افراد شاخصی بر سر کار آمدند که امیدها را زنده کردند. در ابتدا هم چند گام مثبت برداشتند اما به دلیل فشارهای زیاد عقب‌نشینی کردند و نتوانستند آن طور که باید به وظایف خود عمل کنند. دکتر ولیان در ادامه با اشاره به بزرگترین چالش این استان که احداث جاده ابر است، تأکید می‌کند: «الان بزرگترین مشکل زیست محیطی استان همین مسأله احداث جاده ابر است. جاده‌ای که هیچ توجیه اقتصادی و اجتماعی ندارد. شاهرود با جمعیت ۳۰۰ هزار نفری تا کنون ۴ تا جاده به سمت شمال دارد مگر این شهر با این ظرفیت چقدر می‌تواند جاده احداث کند. جاده‌ای که فقط به اصرار نماینده علی‌آباد به بهانه انجام وعده انتخاباتی در معرض اجرا قرار گرفته است. تهران با ۱۲ میلیون نفر تنها ۲ راه ارتباطی با شمال دارد چرا شاهرود باید بیش از ۴ جاده داشته باشد اصلا چه احتیاجی به این کار است. جاده‌ای که تنها در فرایند احداث آن حداقل ۵۰۰ هکتار معادل یکمیلیون درخت نابود و قطع خواهد شد. این تنها تخریب ناشی از فرایند احداث جاده است حالا بحث‌های زمین‌خواری و ویلا سازی بماند که تخریب‌های بی‌شماری در پی خواهد داشت.

امیر حسین ولیان، دبیر سمن‌های شاهرود بااین این که قرار است این جاده را احداث کنند، خاطرنشان می‌کند: تاکنون در برابر این مشکل هنوز حرکت مفید و مثبتی از سوی مدیران سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی و سازمان محیط‌زیست سمنان صورت نگرفت. حتی آنها در این موضوع به اندازه NGOها گام برنداشتند. مثلا امروز قرار است اعضای محترم کمیسیون محیط‌زیست مجلس برای بررسی اثر احداث جاده ابر به منطقه بیایند. در پنج از یک دعوت خشک و خالی از سازمان‌های مردم‌نهاد در استان ما تعامل مدیران با سازمان‌های مردم‌نهاد به هیچ عنوان خوب نیست.

> **در بیخ گوش اداره منابع طبیعی و محیط‌زیست استانی قرار است جاده‌ای درست شود که بزرگترین آسیب را به منطقه وارد می‌کند اما هیچ نشانه‌ای از عزم جدی مسئولان برای مقاومت در مقابل چنین پروژه‌هایی دیده نمی‌شود. سرگذشت مدیران و کارمندان ادارات مانیز همانند رباتی است که در کارخانه‌ای کار می‌کند ولی اهمیتی به کیفیت تولید نمی‌دهد. تنها به وظایفی که برایش تعریف کردند عمل می‌کند و در جایی که تقابل ایجاد شود عملکردشان صفر می‌شود**

ولیان در ادامه عملکرد مدیران استان سمنان را به دلایل زیر مناسب نمی‌داند: نیروهای تابع این مدیران که تشکیل دهنده اداره محیط‌زیست هستند به هیچ عنوان شایسته و کارآمد نیستند. از سوی دیگر خود مدیران به نظر نمی‌رسد خیلی برای محیط‌زیست ارزش قایل باشند. کاش مسئولان محیط‌زیست این استان همانند دکتر مهاجر مدیرکل سازمان محیط‌زیست استان گلستان که بسیار دلسوز و موثر هستند بودند. در مجموع فقدان نیروهای دلسوز محیط‌زیست بزرگترین مشکل در سطح استان سمنان است.

هومان خاکیور: چهارمحال و بختیاری بحرانی‌ترین استان به لحاظ تخریب محیط‌زیست است

هومان خاکیور دیدبان طبیعت بختیاری می‌گوید: مدیران مسئول محیط‌زیست و منابع طبیعی قدرت متوقف کردن پروژه‌های عمرانی را ندارند. وی سپس به مقایسه عملکرد دولت یازدهم با دولت قبل در زمینه محیط‌زیست می‌پردازد و به «شهروند» گفت: برای توصیف عملکرد مدیران ما باید یک نکته را در نظر بگیریم. رویکرد دولت یازدهم در مسائل محیط‌زیست متفاوت از دولت دهم و نهم بود. همان طور که می‌دانید خیلی از این آسیب‌های زیست محیطی از دولت قبل به یادگار مانده بود. در واقع دولت احمدی‌نژاد رویکرد خوبی به محیط‌زیست نداشت و منابع طبیعی و محیط‌زیست به بهانه‌های سیاسی و توسعه اقتصادی ذبح شد. خوشبختانه دولت روحانی رویکرد کاملا متفاوتی با دولت قبل اتخاذ کرد نمود عینی آن را می‌توان در اولین جلسه هیأت دولت دید که در آن مسأله احیای ارومیه و تشکیل کارگروه مربوط به آن اختصاص یافت با این که در منشور دولت یازدهم خیلی خوب به موضوعات محیط‌زیست اشاره شد این نشان از توجه و حساسیت حسن روحانی و به‌خصوص دکتر ابتکار به محیط‌زیست دارد.

این فعال شناخته‌شده محیط‌زیست در ادامه تصریح می‌کند: یکی دیگر از اتفاقات مثبت دولت که باعث شد در انجام ماموریت‌ها کلان زیست محیطی موفق‌تر عمل شود و در استان‌ها به‌خصوص این امر خیلی موثر بود توجه به سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد بود. در دولت قبلی فضایی که روی NGOها بود یک فضای امنیتی و پلیسی بود در نتیجه سرخوردگی ایجاد کرد اما در دولت یازدهم با حضور معصومه ابتکار و باوری که او به سازمان‌های غیردولتی داشت تعامل بین سازمان محیط‌زیست و سازمان‌های مردم‌نهاد محقق شد. تعامل مدیران استانی ما با فعالان و NGOها بالا رفت و نتیجه آن شد که این سازمان‌ها توانستند در امر مشاوره و اطلاع‌رسانی تأثیر خوبی بگذارند.

خاکیور سپس با اشاره به این که یکی از این اتفاقات مثبت که با تعامل سازمان و NGOها صورت گرفت بحث مجوز ندادن پروژه‌های بدون ارزیابی زیست محیطی بود، اذعان می‌دارد: بحث ارزیابی‌های زیست‌محیطی پروژه‌های عمرانی انصافا در دولت یازدهم خیلی خوب عمل شد. البته ما در ابتدای راه هستیم و خیلی باید کار شود تا به ایده‌آل برسیم. در خود سازمان یک کار گروه در همین مورد شکل گرفت اتفاق مثبتی که در این کارگروه‌ها افتاد این بود که کارگروه‌ها در هر استان در دفتر ارزیابی یک نماینده از سازمان‌های غیردولتی داشتند. این در واقع نشان از یک تعامل خوب با اهالی محیط‌زیست است.

دیدبان طبیعت بختیاری سپس به آموزش اشاره می‌کند و می‌گوید: در حوزه آموزش اتفاقات خیلی خوبی در دولت افتاد و رویکرد مشارکتی سازمان متفاوت با دولت‌های قبل بود. تعامل و همکاری با صداوسیما باعث شد که برنامه‌های محیط‌زیستی در صداوسیما بیشتر تولید شود. وی در ادامه سال ۹۲ را سال بیداری محیط‌زیستی مردم دانست و در این باره خاطرنشان کرد: در این سال حرکات بسیار خوبی از لحاظ فعالیت‌های مردمی در همه استان‌ها مشاهده شد و این حاکی از این واقعیت بود که محیط‌زیست نگرانی‌های بسیار جدی بین مردم ایجاد کرده بود.

خاکیور در ادامه عملکرد مدیران استان چهارمحال و بختیاری را چنین توصیف می‌کند: استان ما در این چندسال اخیر یکی از بحرانی‌ترین استان‌ها به لحاظ زیست‌محیطی بود. دلیل آن هم پروژه‌های منابع آبی است. پروژه‌هایی که بدون ارزیابی دقیق زیست محیطی و بدون مجوز در حال اجرا هستند و آسیبی که به محیط‌زیست می‌زنند غیرقابل جبران خواهد بود. در واقع متأسفانه در چهارمحال و بختیاری تا درستی به منابع آبی نشده است و توسعه را درست طراحی نکردند یعنی نگاه قطعه به توسعه دارند در نتیجه این امر می‌تواند مشکلات بسیار بزرگی از لحاظ زیست‌محیطی ایجاد کند. هم اکنون در استان چهارمحال و بختیاری این مشکل بسیار شدید است. پروژه‌های انتقال آب و سدسازی‌های بی‌رویی نفس محیط‌زیست را گرفته است. نکته قوت سازمان در این امر این بود که توانست تا حدی مقاومت کند و مدیران استانی ما هیچ مجوزی در زمینه احداث پروژه صادر نکردند ولی قدرت لازم را ندارند تا این پروژه‌ها را متوقف کنند. هم‌اکنون این پروژه‌ها به‌رغم اعتراض‌های بی‌رویی فعالان محیط‌زیست بدون مجوز در حال اجرا هستند. متأسفانه مدیران ما تا حدی می‌توانند جلوی کار را بگیرند. در این جابه دلیل فشارهای سیاسی متأسفانه نتوانستند به وظایف خود درست عمل کنند. همان خاکیور در زمینه پروژه‌هایی که مجوز ندارند ولی در حال اجرا هستند نیز می‌گوید: هم‌اکنون این پروژه‌ها بدون مجوز در حال اجرا هستند یعنی عاملان آن هیچ توجهی به سازمان محیط‌زیست ندارند و کار خود را می‌کنند. سد خرسان ۳ بدون مجوز، پروژه انتقال آب سبز کوه، پروژه انتقال آب بهشت‌آباد به اصفهان و فلات مرکزی و تونل گلاب همگی بدون مجوز کار می‌کنند. این پروژه‌ها به شدت تنوع زیستی و حیات‌وحش منطقه را به خطر می‌اندازند و هیچ وجاهت قانونی برای اجرا ندارند همین الان این پروژه‌ها آسیب‌های جدی به کارون و خوزستان وارد کرده است. متأسفانه مدیران ما نتوانستند ۱۰۰ درصد به وظایف خود عمل کنند و پروژه‌ها را متوقف کنند.